دیروز و امروز

آل بویه، ابوالفضل

چه خوب است نسل جوان و افرادیکه امروز در سطح خوب و بالای‏ زندگی قرار دارند و همه مردم که از امنیت و آسایش و آرامش برخوردارند نگاهی‏ بگذشته مملکت بکنند و یا بوسیله مطالعه و تفحص و یا استفسار از پدران خود و معمرین بدانند کشور ما در گذشته که چندان هم دور نیست دارای چگونه حکومت‏ و چه اوضاعی بود و اگر خوب مطالعه کنند قدر این آسایش و امنیت را خواهند دانست.

من از دوره‏ای سخن میگویم که در تهران یک دبیرستان کامل متوسطه‏ بنام دار الفنون بود و در حکومت وثوق الدوله هم نزدیک 20 دبستان چهار کلاسه‏ جدید تأسیس کرده بودند که معلومات آموزگاران آنها اغلب بپای ششم ابتدائی‏ هم نمیرسید.

من از دوره‏ای صحبت میکنم که شش ماه به شش ماه حقوق ماهیانه 20 تومان معلم‏پرداخت نمیشد.

من از دوره‏ای صحبت میکنم که تهران یعنی پایتخت کشور شاهنشاهی‏ که آبادترین و معمورترین شهرهای ایران بود صاحب دو رشته واگن اسبی بود و یک خیابان اسفالت نداشت من از دوره‏ای صحبت میکنم که قلدرها و قاطرچی‏ها در همین شهر از مردم باج سبیل میگرفتند حالا برای اینکه به نسل جوان و تازه‏ تذکری داده باشم قضیه یاغیان و راهزنان کاشان را بعرض میرسانم.

کاشان که در دویست و پنجاه کیلومتری تهران قرار دارد و این فاصله در ظرف سه ساعت با اتومبیل و راه‏آهن طی میشود امروز از شهرهای مهم صنعتی‏ ایران است و قالی‏های آنجا از مهمترین صادرات کشور ما است.

کاشان که امروز مثل تمام نقاط ایران از امنیت و آسایش برخوردار است زمانی دچار فتنه و آشوب و انقلاب بود و دولت مرکزی توانائی سرکوب‏ کردن دزدانی که فقط در حدود هزار نفر را دور خودشان گرد آورده بودند نداشت‏ سردسته یک عده زیاد از اوباش پشت شهری از توابع کاشان برادر بزرگ نایب حسین‏ کاشی بود در زمان ناصر الدین شاه حکومت حریف آنها نشد و از قلع و قمع آنها عاجز ماند تا بالاخره شاه احتشام الملک سفاک را با یک عده میر غضب مأمور کاشان کرد او سردسته اشرار را میگرفت و سر میبرید.

من جمله هاشم علی ابراهیم برادر بزرک نایب حسین را سر بریدند آنروزها نایب حسین بچه بود در ابتدای مشروطیت بواسطه هرج و مرج و بی‏ سروسامانی مملکت بدزدی و شرارت پرداخت در ابتدا دزد ساده بود.علماء کاشان اجتماع کردند و از دولت سرکوبی او را خواستند دولت حکم تخریب‏ خانه‏های افراد نایب حسین را داد و آنها از شهر فرار کردند ولی بواسطه اختلافات‏ دسته‏جات سیاسی با دولت در باطن آنها از طرف دستجات تهران تقویت میشدند مردم کاشان برای تظلم به تهران آمدند و در مجلس متحصن شدند،روزیکه کاشیها به مجلس آمدند وکلا مشغول استیضاح کابینه مستوفی الممالک بودند موضوع‏ استیضاح راجع بفرمانفرما بود که در آنزمان والی کرمانشاه بود صدها زن و مرد کاشی از مظالم نایب حسین به مجلس پناه بردند و بدولت تظلم کردند دولت‏ به سردار صولت که در اردستان بود دستور داد که برای جنگ و مقابله با نایب حسین‏ رهسپار کاشان گردد در این زمان نایب حسین دو سه هزار نفر افراد داشت و برای‏ مقابله آنها را بدهات کاشان و نطنز تقسیم کرد و مخارج افراد را مردم دهات‏ اجبارا تأمین میکردند سردار صولت به همه افراد نایب حسین حمله برد البته‏ تصرف شهر مشکل بنظر میرسید بدولت تلگراف کرد که گرفتن شهر بدون‏ توپخانه کار غیرممکن است کاشیها هم بوسیله مرحوم سید حسین کاشانی بدولت‏ مستوفی الممالک مراجعه کردند مرحوم مستوفی الممالک در پاسخ آنها گفت توپ‏ داریم ولی چون توپچی‏ها چند ماه حقوق نگرفته‏اند حاضر بخدمت نیستند کاشیها پول جمع کردند و قورخانه مبارکه مقداری گلوله درست کرد همه اینها که آماده شد وسائل فرستادن توپ بکاشان بوسیله گاری و ارابه را نداشتند پارکومینک رئیس قزاق‏خانه بود گفت بدون وسائل اعزام توپخانه بکاشان امکان‏پذیر نیست باز هم‏ کاشیها وسائل تهیه کردند تا بالاخره با ارابه رئیس قزاقخانه عده‏ای توپچی‏ تحت ریاست سرتیپ حبیب اله خان شیبانی بکاشان فرستاد و مواضع نایب حسین‏ به توپ بسته شد و خانه آنها را خراب کردند افراد نایب حسین متواری شدند سردار صولت به تعقیب آنها پرداخت چون نایب حسین علی نراقی(عموی آقای‏ نراقی وکیل دادگستری)را کشته بود برای انتقام خون او به دنبال اشرار پرداخت‏ سوارهای سردار صولت نایب علی برادر ماشاء اله خان را با گلوله زدند و از پای‏ درآوردند و خوشحال بود که سرانجام قاتل مرحوم علی نراقی را کشته‏ است.

خواننده عزیز این گوشه‏ای از تاریخ پرحوادث ایران است که در گذشته‏ که خیلی هم دور نیست دولت برای اعزام هزار نفر از قوای خود بکاشان و تهیه‏ توپ و مهمات چه مرارتی و چه مشکلاتی داشته و با مقایسه با امروز که ناوگان‏ ما در دریاها و طیارات ما در آسمانها و تانکهای ما در خاک پهناور کشور و قوای‏ ایران حافظ امنیت و مدافع سرسخت مرزهای طولانی هستند چه افتخار و سعادتی‏ است آنها که گذشته را بخاطر دارند و امروز را هم می‏بینند چه وجد و غرور و شعف دارند.

رضا شاه کبیر سرباز و سردار دلیر ایران این اوضاع را دیده بود که قیام کرد و زنجیرهای اسارت ملت را پاره کرد و به همت او و فرزند دلیرش‏ ایران را از پرتگاه سقوط باوج عظمت و قدرت رسانید و امروز دارای مملکتی‏ هستیم آباد و متمدن و صاحب صنایع بزرک و کوچک و معادن در حال بهره‏برداری‏ و دانشکده‏ها و دانشگاه‏ها در اقصی نقاط مملکت و ارتش بزرگ و قوی‏ نگاهبانان کشور همه در راه انجام وظیفه بیدار و پاسداران و مرزداران و قوای‏ تأمینیه در عین هشیاری با همه وسائل و تجهیزات و ما امروز جای خود را در دنیای متمدن باز کرده‏ایم و جائیرا که در دو هزار سال پیش در دنیا داشتیم‏ اکنون نیز همان جا را داریم امروز دیگر کشوری فقیر و عقب‏مانده و درمانده‏ نیستیم که مردم کاشان برای اعزام قوا برای سرکوبی ماشاء اله خان اعانه جمع‏ کنند لباس و گلوله توپ برای توپچی بخرند و با اعانه و صدقه حقوق عقب‏ افتاده آنها را بدهند.